

## درس 12

### حکمت معاصر

#### مطالب درس به صورت پرسش و پاسخ:

سوال: فلسفه در دوره معاصر چه تفاوتی با دوره های قبل دارد؟

پاسخ:

اگر از حدود صد سال قبل تاکنون را دوره معاصر تلقی کنیم، می توانیم بگوییم که این دوره یک تفاوت عمده با دوره های قبل دارد. این تفاوت عمده، همان ورود فلسفه های جدید اروپا به جهان اسلام و از جمله، به کشور ما می باشد.

سوال: چه عاملی در قرون اخیر فلسفه اسلامی را وارد مرحله جدیدی کرد؟

پاسخ:

در برخی درس های کتاب یازدهم مانند درس تاریخچه معرفت شناسی و نیز درس خدا در فلسفه (1) و عقل در فلسفه (1) با اندیشه های برخی فیلسوفان دوره جدید اروپا مانند دکارت، دیوید هیوم، کانت و آگوست کنت آشنا شدیم و دانستیم که در چند قرن اخیر مکاتب فلسفی متعد اروپا شکل گرفت و توسعه یافت و به تدریج از مرزهای اروپا فراتر رفت و به همه جوامع، از جمله، جوامع اسلامی وارد شد و بازار مباحث فلسفی را وارد مرحله جدیدی کرد.

سوال؟

ورود اندیشه های فیلسوفان اروپایی به ایران از چه دوره ای به صورت گسترده آغاز شد و با چه تحولاتی همراه بود؟

پاسخ:

این ورود فکری و فلسفی که در ایران، با آغاز نهضت مشروطه به صورت گسترده ای شروع شده بود، تا به امروز ادامه یافت که:

الف- کتاب های فلسفی فیلسوفان بزرگ اروپایی به زبان فارسی ترجمه شد

ب- دانشجویانی برای آشنایی با فیلسوفان و مکاتب فلسفی اروپایی به آنجا رفتند

ج- رشته های تحصیلی مربوط به فیلسوفان اروپایی در دانشگاه های ایران تأسیس شد

د- به تدریج اساتیدی وارد آموزش فلسفه شدند که متخصص در تحلیل و تبیین نظرات فلسفی یک یا چند فیلسوف مشهور و بزرگ اروپایی بودند

سوال:

دوره ظهور فیلسوفان بزرگ در ایران چه دوره ای بود در این دوره چه شرایطی حاکم بود؟

پاسخ: پس از سقوط دولت صفویان (که دوره ظهور فیلسوفان بزرگی مانند ملاصدرا بود):

الف- نابسامانی هایی ایران را فرا گرفت که تا مدت های طولانی ادامه یافت

ب- این نابسامانی ها، حیات علمی و فرهنگی را به شدت ضعیف کرد و همه علوم، از جمله فلسفه را از رونق انداخت.

لذا با اینکه در این ایام چند فیلسوف نام آشنا به تدریس فلسفه اشتغال داشتند، اما حیات فلسفی از شادابی چندانی برخوردار نبود.

سوال؟

در چه دوره ای و چگونه زمینه برای حیات مجدد فلسفه در ایران فراهم شد؟

پاسخ: در اواخر حکومت قاجار که یک جنبش فکری و اجتماعی در ایران شکل گرفت و در حوزه فرهنگ نیز جنب و جوشی پدیدار شد، مسئله های فکری و فلسفی جدیدی نیز مطرح گردید که زمینه را برای حیات مجدد فلسفه فراهم کرد.

سوال؟

با ورود اندیشه های فلسفی اروپائیان به ایران، برخورد فیلسوفان با آن چگونه بود؟ و در این زمینه چه کردند؟

پاسخ: با اینکه در این دوره فلسفه های اروپایی وارد ایران شده و توجه علاقه مندان را به خود جلب کرد اما از آنجا که ایران در یک دوره طولانی مهد فلسفه بود و مکتب های بزرگ فلسفی مانند مکتب مشا و اشراقی و متعالیه در آن رونق داشت. برخورد فیلسوفان ایرانی با فلسفه های اروپایی بدین صورت بود که تلاش کردند با بهره گرفتن از ذخیره ارزشمند فلسفی خود، فلسفه های جدید اروپایی را بفهمند و ارزیابی کنند.

از این رو فلاسفه تلاش کردند:

الف- بار دیگر تدریس فلسفه را که به رکود گراییده بود، احیا کنند و رونق بخشند

ب- دستداران فلسفه را با اندیشه های فیلسوفانی چون فارابی، ابن سینا، خواجه نصیر و ملاصدرا آشنا نمایند.

ج- آنان در همان حال می کوشیدند با بازسازی و نوسازی ذخایر فلسفی گذشته، فلسفه ای غنی تر و پربارتر که ناظر به مسئله های روز جامعه باشد، عرضه نمایند.

کانون اصلی این فعالیت ها دو شهر قم و تهران بود. در شهرهای اصفهان و مشهد نیز حلقه های درسی در فلسفه تشکیل می شد و طالبان فلسفه در آن حلقه های درس حضور می یافتند.

نام چند تن از فلاسفه مشهور دوران معاصر را بنویسید.

پاسخ: میرزا جهانگیرخان قشقایی، ابوالحسن شعرانی، میرزا مهدی آشتیانی، میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی، محمدمهدی الهی قمشه ای، سید محمدکاظم عصّار، آیت الله محمد علی شاه آبادی و بالاخره امام خمینی (ره) و علامه طباطبایی از استادان برجسته فلسفه در عصر حاضر به شمار می آیند. این گروه از فلاسفه تعداد زیادی شاگرد تربیت کردند که فرهنگ فلسفی را در جامعه گسترش دادند و کتاب های متعددی تألیف کردند. برخی از این شاگردان هم اکنون نیز در قید حیات اند و از استادان برجسته فلسفه در عصر حاضر به شمار می روند.

حکیم و عارف مجاهد

خلاصه ای از بیوگرافی امام خمینی(ره)

نام اساتید و نام کتاب هایی که تألیف کرده اند.

همگان امام خمینی(ره) را به عنوان رهبری کننده یک انقلاب مذهبی در قرن چهاردهم هجری می شناسند. اما کمتر کسی می داند این مرد مجاهد که در دوره ، کهولت یک انقلاب بزرگ را رهبری کرد، در دوره جوانی و در طی حدود 20 سال مهم ترین و مشکل ترین کتاب های فلسفی و عرفانی، مانند اسفار ملاصدرا و شفا ابن سینا را تدریس می کرده است.

امام خمینی در سال 1281ه. ش. در خمین متولد شد. در همان کودکی و نوجوانی علوم مقدماتی را آموخت و برای آموختن فلسفه و عرفان به حضور استادان بزرگ آن زمان، از جمله سید ابوالحسن رفیعی قزوینی و آیت الله شیخ محمد علی شاه آبادی رسید. آیت الله شاه آبادی بزرگ مردی است که در شکل گیری شخصیت امام خمینی در ابعاد گوناگون فلسفی و عرفانی و اجتماعی نقش اساسی داشته است. رابطه امام خمینی با ایشان از رابطه شاگردی و استادی فراتر بود و امام خمینی او را مراد و محبوب خود می شمرد. امام خمینی در شرایطی تدریس فلسفه را در حوزه ها آغاز کرد که بسیاری از بزرگان به شدت با تدریس فلسفه و به خصوص فلسفه صدرایی مخالف بودند و آن را فلسفه ای ضد دینی می دانستند. به همین جهت حلقه درس ایشان اختصاص به شاگردان نزدیک داشت و علنی نمی شد. قدرت علمی ایشان به گونه ای بود که در همان سنین جوانی کتاب هایی مانند اسفار ملاصدرا را تدریس می کردند و در همان سنین کتاب های ارزنده ای در مباحث عرفانی تألیف کردند، مانند « تعلیقات به شرح فصوص الحکم»، «شرح بر مصباح الانس»، «مصباح الهدایه»، «اراده و طلب»، «شرح دعای سحر»، «سرالصلوة» و «آداب الصلوة» از استادان بزرگ فلسفه که در درس حضرت امام حاضر می شدند، نقل است که آن بزرگوار در تفکر فلسفی نبوغ خاصی داشتند و در تدریس حکمت متعالیه بسیاری از مباحث صدرالمتألهین را با بیانی بی نظیر تفسیر عرفانی می کردند.

سوال؟ به چه دلیل امام خمینی(ره) در تربیت شاگردان می کوشیدند؟

پاسخ:

امام خمینی که می دانست هر حرکت فکری و فرهنگی و یا انقلاب اجتماعی نیازمند یاران همفکر و همراه است، تلاش کرد که طلاب مستعد و نواندیش را تحت تربیت فکری و عملی خود قرار دهد و آنان را آماده ورود به فعالیت های فرهنگی و اجتماعی نماید.

طلابی که در مکتب امام خمینی (ره) تربیت شدند چه ویژگی هایی داشتند؟

پاسخ: این طلاب بعد ها به شخصیت های درجه اول خود تبدیل شدن ، معمولاً در علوم عقلی و فلسفه متبحر بودند و مسائل فکری روز را می دانستند و برای ایجاد یک تحول فکری و فرهنگی پیش قدم بودند.

### حکیم بزرگ دوره معاصر

خلاصه ای از بیو گرافی علامه طباطبایی

استاد علامه سید محمد حسین طباطبایی بزرگ ترین شخصیت فلسفی معاصر و وارث حکمای بزرگ اسلامی است. ایشان در سال 1281 هجری شمسی در تبریز متولد شد و در همان شهر مقدمات دانش را آموخت. در سال 1304 برای ادامه تحصیل به نجف اشرف رفت و به محضر استادان بزرگ راه یافت و با همتی بلند در تحصیل مدارج عالی علم در فقه، فلسفه، کلام، ریاضیات و برخی علوم دیگر گام نهاد. خود ایشان می نویسند: «در اوایل تحصیل علاقه زیادی به ادامه تحصیل نداشتم. از این رو، هرچه می خواندم نمی فهمیدم و چهار سال به همین نحو گذشت. پس از آن، به یک باره عنایت خدایی دامن گیرم شد و مرا عوض کرد و در خود یک نوع شیفتگی و کمال حس نمودم؛ به طوری که از همان روز تا پایان تحصیل که هجده سال طول کشید، هرگز نسبت به تعلیم و تفکر، درک خستگی و دلسردی نکردم و زشت و زیبای جهان را فراموش کردم و بساط معاشرت با غیر اهل علم را به کلی برچیدم ... بسیار می شد (به ویژه در فصل بهار و تابستان) که شب را تا طلوع آفتاب با مطالعه می گذراندم و همیشه درس فردا را پیش مطالعه می کردم و اگر اشکالی پیش می آمد، با هر خودکشی ای بود، شب [آن را] حل می کردم. وقتی که در درس حضور می یافتم، از آنچه استاد می گفت آگاه بودم و هرگز اشکالی پیش استاد نبردم.»

در سال 1304 برای ادامه تحصیل به نجف اشرف مهاجرت کرد و به محضر استادان بزرگ راه یافت و به تدریج در فقه، اصول، ریاضیات و فلسفه به مرحله استادی رسید. در عرفان و اخلاق به خدمت عارف بزرگ، میرزا علی آقا قاضی رسید و مراتب عالی سیر و سلوک را طی کرد و از شاگردان ممتاز ایشان شد. استاد، هرگاه از تهذیب نفس و سیر و سلوک معنوی سخنی به میان می آمد، اظهار می کرد که ما هرچه داریم از مرحوم قاضی داریم، ایشان حتی روش تفسیری خود را که روش تفسیر قرآن به قرآن است، از مرحوم قاضی آموخته بود.

در همان اوایل ورودم به نجف اشرف، روزی در منزل نشسته بودم و به آینده خود می اندیشیدم. ناگهان کسی در خانه را زد ... داخل منزل شد ... و به من گفت: کسی که برای تحصیل به نجف می آید، شایسته است به فکر تهذیب و تکمیل نفس هم باشد و از خود غافل نماند. این عالم پرهیزکار، عارف عالی قدر میرزا علی آقا قاضی است که بسیاری از علما و عارفان عصر حاضر شاگرد او بوده اند.

### اقدامات علمی و فرهنگی

علامه طباطبایی در سال 1325 برای تدریس علوم دینی به قم مهاجرت می کند.

سوال؟

شرایط علمی و فرهنگی در آغاز ورود علامه طباطبایی به قم، چگونه بود؟

اولاً: اندیشه های جدید و مکتب های فلسفی که از اروپا به ایران آمده بود، به خصوص تفکرات ماتریالیستی و مکتب مارکسیسم، در حال گسترش بود.

ثانیاً: حوزه های علمیه آمادگی لازم برای مواجهه با این افکار و اندیشه ها را نداشتند و تدریس فلسفه و مباحث فلسفی که می توانست زمینه نقد و ارزیابی مکاتب و اندیشه های جدید را فراهم کند، همچنان اندک بود و مورد استقبال قرار نمی گرفت و در برنامه درسی طلاب جایگاهی نداشت.

سوال؟ علامه طباطبایی پس از ورود به قم چه اقدامات علمی و فرهنگی، انجام دادند؟

پاسخ:

1- تدریس فلسفه، ناظر بر مسائل روز فلسفی؛ ایشان علاوه بر تدریس شفای ابن سینا و اسفار ملاصدرا، تصمیم گرفت یک دوره فلسفه اسلامی را به سبکی که مسائل روز در آن طرح شده باشد، تألیف کند. به همین منظور کلاسی تشکیل داد که طلاب برجسته و آشنا به مسائل در آن شرکت می کردند و مکتب های فلسفی و به خصوص مارکسیسم که در آن ایام رونق داشت مورد نقد و بررسی قرار می گرفت. حاصل این جلسات کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» است که شامل متن اصلی و پاورقی های توضیحی است. متن را علامه طباطبایی نوشته است و پاورقی ها را استادشهدید مطهری که در آن جلسات حضور داشته، به اصل مباحث افزوده است. این کتاب در روشن کردن افکار طلاب و دانش پژوهان نقشی تعیین کننده داشت.

سوال؟ ویژگی های کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم علامه طباطبایی چه بود؟

پاسخ:

الف- علامه و استاد مطهری در این کتاب نشان دادند که می توان از ذخیره فلسفی صدرانی بهره گرفت و متناسب با مهم ترین مسئله های فلسفی روز مجموعه ای تألیف کرد که پاسخگوی نیازهای ما در همین عصر باشد.

ب- ویژگی دیگر این کتاب که تا آن روز در حوزه فلسفه در ایران سابقه نداشت، نگاه تطبیقی به فلسفه بود. علامه طباطبایی در این کتاب تلاش می کند که در مباحث مهمی مثل شناخت و علیت، دیدگاه های فیلسوفان اروپایی و ماتریالیست ها را با دیدگاه خود در فلسفه اسلامی مقایسه کنند و ارزیابی خود را ارائه دهند. این کار، در برخی آثار استاد مطهری نیز ادامه پیدا کرد.

ایشان همچنین دو کتاب درسی در دو سطح برای تدریس فلسفه تألیف کرد به نام «بداية الحكمة» که برای تدریس در سطح اولیه است و «نهاية الحكمة» که برای تدریس در سطح بالاتر و تخصصی تر است.

سوال؟ چند کتاب های فلسفی علامه طباطبایی را نام ببرید.

پاسخ: 1- اصول فلسفه و روش رئالیسم 2- بداية الحكمة (برای تدریس در سطح اولیه) 3- نهاية الحكمة (برای تدریس در سطح بالاتر)

## 2- احیاء تدریس و تفسیر قرآن کریم؛

یکی از اقداماتی که در آن عصر ضروری بود، توجه دادن جامعه به آموزه های قرآن کریم و بهره مندی از آن در زندگی روزمره و تحولات اجتماعی بود. علامه همان طور که خود نوشته اند، جلسه تفسیری تشکیل داد و به تفسیر قرآن با سبکی جدید پرداخت که نتیجه آن تألیف یک تفسیر 20 جلدی است.

سوال؟ روش علامه طباطبایی در تفسیر قرآن چگونه بود؟

پاسخ: الف- ایشان در این تفسیر، آیات قرآن کریم را به کمک آیات دیگر تفسیر می کند و نشان می دهد که این کتاب آسمانی یک منظومه و یک مجموعه کامل است.

ب- ایشان علاوه بر این، برای تبیین بیشتر آیات و برای پیوند با مسائل روز، به مباحث مستقل فلسفی می پردازد و مجموعه ای غنی از مباحث فلسفی را در کنار تفسیر آیات ارائه می دهد.

3- علامه طباطبایی در نظر داشت که فعالیت های علمی و فرهنگی خود را از محدوده حوزه فراتر برد و به دانشگاه ها و حتی به محیط های فرهنگی جهانی بگشاند. ایشان، با استادان دانشگاه ملاقات می کرد و برای آنها جلساتی تشکیل می داد. حتی سالیان متمادی در عین فقر و قناعت، رنج آمد و شد به تهران با وسایل نقلیه عمومی آن روزگار به خود هموار می کرد تا در تهران با خاورشناسان بزرگ و فیلسوفانی که برای تحقیق به ایران آمده بودند، دیدار و گفت و گو کند و روح تفکر و فلسفه اسلامی و مذهب تشیع را به ایشان بشناساند. به برکت همین فعالیت ها آثار استاد به زبان های اروپایی برگردانده شد و تفکر شیعی به جهان غرب نیز راه یافت.

سوال؟ یکی از فیلسوفان اروپایی که با علامه طباطبایی دیدار داشته و با ایشان مباحثی را مطرح نموده ، که بوده و حاصل این دیدار ها چه بوده است؟

پاسخ: هانری کربن ، فیلسوف برجسته فرانسوی که حدود بیست سال با دانشگاه تهران همکاری می کرد، در ملاقات های متعددی با علامه طباطبایی، از نظرات ایشان درباره فلسفه، عرفان و مکتب شیعه استفاده کرد. حاصل مذاکرات کربن با علامه، دو جلد کتاب تحت عنوان «شیعه» و «رسالت تشیع» در دنیای امروز می باشد.

تربیت شاگردان:

حلقه های فکری و جلسات تدریسی که علامه طباطبایی در قم آغاز کرد، گرچه در ابتدا کم جمعیت و گمنام بود، اما به سرعت به مهمترین جریان فکری و علمی قم تبدیل شد و آنان که به دنبال تحول در حوزه های علمیه و روزآمد کردن مباحث فلسفی و فکری بودند، گرد این استاد جمع شدند، شاگردانی ممتاز و مستعد چون استاد شهید مطهری، شهید دکتر بهشتی، شهید دکتر باهنر، آیت الله جوادی آملی، آیت الله حسن زاده آملی و آیت الله محمدتقی مصباح و بسیاری دیگر از متفکران معاصر. این متفکران و اندیشمندان که بسیاری از آنان از یاران صمیمی امام خمینی بودند و بازوی فکری و فرهنگی نهضت اسلامی امام خمینی را به وجود آوردند، صدها کلاس درس و هزاران کتاب در زمینه فلسفه و سایر علوم اسلامی تألیف کردند و حیات فرهنگی نهضت را تغذیه نمودند.

استاد مطهری از شاگردان علامه بودند.

## الگوی از نظام فکری

در درس سوم کتاب فلسفه سال قبل خواندیم که هر فلسفه ای سبک زندگی خاص خود را به دنبال دارد. به طوری که یک فلسفه الهی نظیر فلسفه افالطون و فارابی رنگ و بوی زندگی را، الهی می کند و یک فلسفه مبتنی بر اصالت حس و ماده، غایات و اهداف زندگی را در محدوده امور مادی قرار می دهد.

سوال؟

منظور از نظام فکری چیست؟ ( با مثال بیان کنید).

پاسخ: ساختار و نظام فکری هر فرد، مشابه با یک درخت است که مبانی فلسفی پذیرفته شده توسط آن فرد به منزله ریشه آن درخت می باشد و سایر افکار و اندیشه های وی مانند نگاه او به زندگی، به سیاست و خانواده شاخ و برگ های آن درخت شمرده می شوند. از این رو به میزانی که آن ریشه کم عیب و سالم باشد، شاخ و برگها نیز کم عیب و سالم خواهند بود و هر قدر که ریشه قوی و استوار باشد، شاخ و برگهای قوی و محکمی نیز خواهد داشت. این درخت اندیشه، همان چیزی است که امروزه «نظام فکری» نامیده می شود.

سوال؟ افراد مختلف با توجه به نظام فکریشان به چند دسته تقسیم می شوند؟

پاسخ: به 5 دسته:

1- کسانی که کمتر اهل اندیشه ورزی هستند و اصول یک نظام فکری مشخص شده برای خود ندارند. اینان زندگیشان را به تقلید از دیگران می گذرانند و تصمیم گیری آن ها تابع جوحاکم بر جامعه است.

2- کسانی که وارد عرصه تفکر شده و دارای افکار فلسفی شده اند، اما نه هنوز آن افکار فلسفی به خوبی در آنها شکل گرفته و نه هنوز می توانند میان آن افکار و مسائل زندگی ارتباط برقرار کنند. اینان، گاهی براساس افکار خود تصمیم می گیرند و گاهی بیرون از آن اساس؛ اینان در حال رشد و پیشرفت هستند

3- برخی از افراد در انتخاب ریشه درخت و پایه نظام فکری خود دچار خطا و اشتباه می شوند و ریشه ای ناکارآمد و ناسالم در زمین زندگی قرار می دهند و در نتیجه، به یک سبک زندگی معیوب و ناسالم می رسند

4- گروهی از افراد نیز هستند که هم ریشه درخت فکری را به درستی انتخاب کرده اند و پایه های استواری برای نظام فکری خود ساخته اند و هم با دقت و تأمل فراوان و با عقلانیت بالا، شاخ و برگ های سالم و قوی و استواری از آن ریشه استنباط و استخراج کرده اند. در نتیجه، وقتی که به طور مثال، درباره فرهنگ صحبت می کنند، مخاطب فهم می داند که این سخن دقیقاً برگرفته از مبانی فلسفی اوست و این سخن به منزله شاخه و آن مبانی به منزله ریشه همین شاخه است

5- بسیاری هم هستند که مبنا و ریشه خوبی برای ساختمان اندیشه ای خود انتخاب کرده اند اما آن قدرت عقلی و تفکری را ندارند که میان این مبانی و تصمیم گیریهای زندگی، در سیاست، خانواده، اقتصاد و نظایر آن پیوند ایجاد کنند. لذا درخت اندیشه آنها شاخ و برگ های شاداب و مناسبی ندارد.

سوال؟

سبک زندگی و آثار شهید مطهری بیان گر چیست؟

پاسخ: نشان دهنده آنست که ایشان موفق شدند بر اساس عمیق ترین اندیشه های فلسفی که با نبوغ فکری خود از دو استاد و حکیم بزرگ و معاصر آموخته بود و با تفکر و تدبیر در قرآن کریم و سخنان معصومین (ع) کسب کرده بود، یک نظام فکری و عملی تمدن اسلامی، پاسخگوی نیاز های زمان و عصر حاضر ما باشد.

## سوالات تست

1- از پر رونق ترین حوزه های فلسفی معاصر در ایران از آن کیست و کدام یک به نکات تازه تر از فلسفه صدرایی اشاره داشت؟

1- علامه طباطبایی- امام خمینی

2- امام خمینی- شهید مطهری

3- علامه طباطبایی- شهید مطهری

4- امام خمینی- امام خمینی

2- از فلاسفه معاصر که ارکان ماتریالیسم را مورد نقادی قرار داد کیست و ماحصل جلسلا مختلف ایشان با هانری کرپن چه کتابی است؟

1- شهید مطهری- اصول فلسفه و روش رئالیسم

2- علامه طباطبایی- شیعه

3- علامه طباطبایی- اصول فلسفه و روش رئالیسم

4- شهید مطهری- شیعه

3- کدام گزینه در باره علامه طباطبایی نادرست است؟

1- فعالیت های علمی علامه پس از گسترش اندیشه های مارکسیسمی و ضد ماتریالیستی در ایران آغاز شد

2- فعالیت های علامه مقارن با ورود اندیشه های جدید اروپایی به ایران رخ داد

3- در اصول فلسفه و روش رئالیسم فلسفه اسلامی را علاوه بر نقد ماتریالیسم ارائه کرد

4- تفسیر میزان کتابی بی نظیر در زمینه قرآن کریم است که توسط علامه طباطبایی نگاشته است

4- فیلسوفان برگی که در دوران صفویه ظهور کردند چه کسانی بودند؟

1- میر داماد- شیخ بهایی- میر فندرسکی- ملاصدرا

2- شیخ بهایی- ابوسعید ابو الخیر- میر داماد- میر فندرسکی

3- میر فندرسکی- شیخ مفید- ملاصدرا- میر داماد

4- شیخ شراق- ملاصدرا- میر داماد- شیخ بهایی

5- کدام شخصیت در قم در طرح مسائل عرفانی و ربط به حکمت متعالیه با اصول عرفانی ، استعدادی کم نظیر داشت و یکی از شاگردان او که پایه های فلسفی خود را در محضر او استوار ساخته بود، چه کسی بود؟

1- امام خمینی- آیت الله جوادی آملی

2- علامه طباطبایی- شهید دکتر باهنر

3- امام خمینی- استاد شهید مطهری

4- علامه طباطبایی- شهید بهشتی

6- علامه طباطبایی با کدام فیلسوف بزرگ اروپایی ملاقات کرد و جلسات درسی تشکیل می داد و حاصل گفتگو های ایشان در کدام کتاب به چاپ رسیده است؟

1- کاپلستون-المیزان

2- هانری کرپن- شیعه

3- کاپلستون- شیعه

4- هانری کرپن- المیزان

7- بزرگ ترین فیلسوف معاصر ..... بود و تفاسیر عرفانی ..... گاه از سطح عبارات ملاصدرا فراتر می رفت.

1- امام خمینی- امام خمینی

2- علامه طباطبایی- علامه طباطبایی

3- امام خمینی- علامه طباطبایی

4- علامه طباطبایی- امام خمینی

8- به ترتیب کدام کتاب حاصل جلسات علامه طباطبایی با هانری کربن و کدام یک حاصل جلسات او با طلاب مستعد است؟

1- شیعه- اصول فلسفه و روش رئالیسم

2- اصول فلسفه و روش رئالیسم- شیعه

3- المیزان- شعور مرموز

4- شعور مرموز- المیزان

9- کدام گزینه در خصوص علامه طباطبایی درست نیست؟

1- در زمان علامه تفکرات ماتریالیستی و مکتب مارکسیسم در حال گسترش در ایران بود

2- علامه طباطبایی «اصول فلسفه و روش رئالیسم» را تألیف کرد و به شاگردان ارائه کرد

3- علامه طباطبایی در کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» به بیان یک دوره فلسفه اسلامی پرداخته است

4- کتاب المیزان تفسیری است که ایشان در طول بیست سال نوشته و تألیف کرده است

10- چه کسی از مجلس تحصیل امام خمینی و علامه طباطبایی استفاده کرد؟

1- علامه جعفری 2- علامه امینی 3- شهید مطهری 4- میرزا علی قاضی

پاسخنامه

1- گزینه چهار 2- گزینه دو 3- گزینه یک 4- گزینه یک 5- گزینه 3 6- گزینه دو 7- گزینه چهار 8- گزینه یک 9- گزینه دو 10- گزینه سه

با ارزوی توفیق برای تمام شما دانش آموزان عزیز

بوسعید- مشهد مقدس